

**طرح جامع اعتلای علوم انسانی**

تلائم نظر و عمل در تلقی از علوم انسانی به ‌مثابة فرونسیس

مجری: دکتر مهدی معین‌زاده

ناظر: دکتر بیژن عبدالکریمی

ویراستار: سیاوش صفرس

صفحه‌آرا: جابر شیخ‌محمدی

**فهرست**

سخن پژوهشگاه 5

علایم اختصاری 11

مقدمه 13

فصل اول: مفهوم فرونسیس نزد ارسطو

مقدمه 17

فرونسیس از منظر ارسطو 26

تعلق ذاتی نظر و عمل به یکدیگر ضمن و ذیل مفهوم فرونسیس 37

صورت‌بندی شفاف‌تر تناقض ظاهری آرای ارسطو دربارة متعلق تأمل‌بودن غایات یا وسائط 41

تلاش جهت رفع تناقض ظاهری آرای ارسطو دربارة متعلق تأمل‌بودن غایات یا وسائط به مدد بصیرتی هایدگری 51

تلاش در جهت رفع تنش بین نظر و عمل در فرونسیس با توجه به مفهوم ارگانیسم 58

رشد ارگانیسم 62

ساختار خاص حقیقت متعلق فرونسیس 68

نقش سوفیست‌ها در تلقی ارسطو از فرونسیس به مثابة فضیلتی عقلانی 90

فرونسیس و سوفروسین 107

بیان هم‌سرچشمگی رتوریک و فرونسیس از طریق ابتنای آن‌ها بر مفهوم حد وسط(سوفروسین) و مآلاً کایروس 115

هارمونی 116

دربارة مفهوم کایروس 119

ابتنای دو مؤلفة مفهومی هارمونی (وحدت در کثرت و تناسب) بر مفهوم کایروس 130

حد و محدودیت 141

ابتنای فرونسیس و علوم انسانی بر مبنای مشترک کایروس 150

نتیجة فصل 161

فصل دوم: آزاد‌سازی نیروی نهفته در فرونسیس توسط هایدگر

مقدمه 163

حیات به مثابة یگانه موضوع فلسفه و درس‌گفتار *مفاهیم اساسی فلسفة* *باستان* 187

فرونسیس در درس‌گفتار *سوفیست افلاطون* 208

زمان، مرگ و مصممیت در درس‌گفتار *تاریخ مفهوم زمان* 216

فرونسیس در *وجود و زمان* 219

کایروس به مثابة بنیاد تفسیر هایدگر از مفهوم فرونسیس ارسطو 234

کایروس و لحظات کایرولوژیک حیات (کایروس فرونتیک) 238

کایروس فرونتیک و علوم انسانی 242

نسبت رخداد فهم و علوم انسانی 247

فصل سوم: ابتنای علوم انسانی بر فرونسیس از منظر گادامر

فرونسیس به معنای تطبیق اصول کلی بر موارد جزئی 249

اخلاقی‌بودن علوم انسانی: غیرقانون بنیادبودن آن 250

تاریخ تأثیر و علم انسانی 251

مسئلة کاربرد به مثابة بنیان علوم انسانی 269

تمایز ماهوی علوم انسانی و بنیاد گرفتن آن برپایة حکمت عملی 291

تمایز معرفت فنی و اخلاقی 296

نتیجه گیری 301

منابع 317

# سخن پژوهشگاه

کتاب حاضر یکی از آثار برگرفته از **طرح جامع اعتلای علوم ‌انسانی معطوف به پیشرفت کشور** است که اکنون به محضر ارباب معرفت تقدیم می‌گردد.

طرح جامع اعتلا مجموعه پروژه‌هایی به هم‌پیوسته و مسئله‎‎‌محور است که بر مبنای منشور پژوهشگاه در سال‌های اخیر مبنی بر درپیش‌گرفتن **رهیافت بومی** و **کاربردی‌سازی علوم‌انسانی** شکل گرفته و بر پایة خردجمعی و تعاطی افکار خبرگان، نخست طی یک سال و نیم، از گذرگاه انجام فاز مطالعاتی و تدوین RFP عبور کرده سپس وارد اجرای طرح‌ها شده است.

این طرح کلان برپایة این منطق شکل گرفت که برای بومی‌سازی و کاربردی‌سازی علوم‌انسانی لازم است سه مقولة مهم به‌صورت متمایز کاویده شوند و نهایتاً از همة طرح‌ها تلفیق صورت گیرد.

1. **مبانی و ریشه‌های علوم‌انسانی جدید ارزیابی و نقد شوند.** (کارگروه مبانی)

2. **قلمرو و فرایند شکل‌گیری و سیر تاریخ ورود و استقرار این رشته‌ها در ایران نظر افکنده شود و نقد گردد.** (کارگروه بازشناسی انتقادی و تاریخ)

3. **شیوه‌ها و مظاهر کاربست آن‌ها و تعامل این رشته‌ها با جامعة ایران در چرخة ارزیابی و تحلیل قرار گیرد.** (کارگروه کاربست)

از گذرگاه این کندوکاوها، اتصال یا عدم پیوند آن با گنجینه‌های میراثی و تناسب یا تغایر احتمالی آن‌ها نسبت به نیازهای جامعة امروز روشن می‌شود. از سوی دیگر، این طرح‌ها با تکیه بر میراث‌های فرهنگ بومی و دینی و با پشتوانۀ بهره‌گيري از مطالعات جهانی و ملّی و به‌صورت شبکة برنامة محصول‎‎‌گرا و هم‌افزايانه شکل‌ یافته‌اند و با رویکرد بین‌رشته‎‎‌ای و با مشارکت محققان توانای پژوهشگاه و صاحب‌نظران سرآمد سطح ملّی تدوین شده‌اند.

امید می‌رود با انجام این طرح‌ها یکی از آرمان‌های انقلاب اسلامی مبنی بر **استقلال فکری** و رهنمودهای حضرت امام خمینی و مقام معظم رهبری در این باره پی‌جویی شود. طرح‌های اعتلا برای تحقق هدف یادشده با رویکرد ایجاد **پیوند میان نظریه و عمل**، می‌کوشد **تا اثربخشی و سودمندی علوم انسانی را معطوف به پیشرفت کشور مبنی بر مؤلفه‌های بومی‌گرایی** متعیّن نماید.

پژوهشگاه علوم‌انسانی و مطالعات فرهنگی در مسیر تحقق بخش‌هایی از اسناد بالادستی و پی‌جویی مأموریت ویژة هیئت‌امنا و با مساعدت سازمان برنامه و بودجه، طرح اعتلا را برای استقرار عینی شبکة نخبگانی علوم انسانی کشور طراحی کرده و به اجرا درآورده است.

پژوهشگاه به فضل الهی در نظر دارد به‌تدریج پس از انتشار مجلدات حاضر در این مرحله و هم‌زمان با متنوع‌سازی نشر محصولات طرح‌ها (از طریق **گزارش‌های راهبردی**، **توصیه‌های سیاسی**، **گزارش‌های علمی ملی**، **بسته‌های خدمات تخصصی و مشاوره‌ای، جستارهای علمی و فنی**، **مقاله‌های علمی** ـ **پژوهشی**، **علمی** ـ **تخصصی**، **هم‌اندیشی‌های نخبگانی** و **سخنرانی‌های علمی** و...) مابقی نتایج پژوهش‌ها را نیز به‌صورت کتاب آمادة نشر سازد.

اصولاً یکی از شاخص‌های مهم که می‌تواند نشانة توفیق یک نهاد پژوهشی، به‌ویژه در قلمرو علوم‌انسانی باشد، اجرای طرح‌های شاخص، هم‌گرا، مسئله‌مند و ناظر به چالش‌های اجتماعی و اثرگذار در عرصة سیاست‌گذاری‌هاست که بتواند در شرایط کنونی در حقیقت مؤسسة پژوهشی را به جرگة نسل چهارم نهادهای علمی وارد سازد. تعریف و اجرای طرح اعتلا به همین منظور در مسیر تحقق قسمتی از چشم‌انداز و مأموریت روشن پژوهشگاه، مندرج در برنامة توسعة راهبردی آن، به‌شمار می‌آید که برای نخستین بار در تاریخ پژوهشگاه برنامة توسعه تعریف و اجرا شده است و بخشی از دستاوردهای آن کتاب‌های مجموعه طرح‌های اعتلای علوم‌انسانی است.

در فرایند تعریف و اجرای طرح جامع اعتلا، به لطف الهی، فرصت **ارتقای کیفیت علمی** طرح‌ها و **توانمندسازی** و تقویت زیرساخت‌ها در پژوهشگاه دوچندان شده است، چنان‌که طی این سال‌ها و به موازات اجرای این طرح کلان، مشارکت بالندة تعداد کثیری از اعضای محترم هیئت‌علمی در اجرای طرح مذکور و رسیدن تولید سرانة علم به رشد بیش از **دو برابری** و رشد بیش از **پنج برابری** نقدِ متون دانشگاهی و رشد **فزایندة** تولید و نشر مقالات و جستارهای انتقادی و انتشار فصل‌نامه‌های با کیفیت پژوهشی، **برنده‌شدن سه سال پیاپی در جشنوارة نقد سال** و **برگزیده‌شدن مکرر در جشنوارة بین‌المللی فارابی** و ده‌ها جشنوارة ملی دیگر، **صعود بیش از چهارصد پله‌ای پرتال در رده‌بندی جهانی الکسا،** **تأسیس قطب علمی**، **ارائة نظریة علوم‌انسانی در سطح ملی** و رشد **چشمگیر** فعالیت‌های حوزة **ترویجی‌سازی علم** و تحقق شبکة نخبگانی **سه‌هزار** نفره متشکل از استادان صاحب‌نظر از سراسر کشور، شواهدی از این ظرفیت‌سازی و ارتقای توانمندی به‌شمار می‌آید.

بدیهی است با همة مزیت‌های این مجموعه طرح‌ها و آثار، بخش‌هایی از این کتاب‌ها خالی از خلل و عاری از کاستی نباشد، یقیناً اهل نظر با نقد ناصحانه و راهنمایی‌های راهگشای ایجابی خود پژوهشگاه را برای قوام و مایه‌وری بیشتر این آثار در چاپ‌های بعدی مدد خواهند رساند.

در پایان، ضمن سپاسگزاری به درگاه حق‌تعالی و ابراز مسرّت از پی‌جویی دغدغة استاد زنده‌یاد دکتر صادق آیینه‌وند (ره) در منشور ایشان مبنی بر «اتصال به ریشة انطباق با زمان» یادآور می‌شود این مجموعه مرهون حمایت وزیران محترم جناب دکتر فرجی‌دانا، دکتر فرهادی و دکتر غلامی و اعضای محترم هیئت محترم امنا و سازمان برنامه و بودجه و نمایندگان محترم ذی‌ربط مجلس شورای اسلامی از یک‌سو و اهتمام همة همکاران طرح جامع اعتلا، شامل اعضای محترم شورای پژوهشی پژوهشگاه، کمیتة علمی طرح اعتلا، جانشین رئیس و رئیس دبیرخانة طرح اعتلا، مجریان محترم طرح‌ها، مدیران کارگروه‌‌ها، شورای مشاوران، اعضای محترم کارگروه‌های تخصصی و کلیة محققان و ناظران علمی و داوران طرح‌های پژوهشی وکارشناسان از سوی دیگر است. لذا سزاوار به‌نظر می‌رسد سپاسگزار همة آنان باشیم؛ به‌ویژه جناب آقای دکتر سیدمحمدرضا امیری طهرانی‌زاده‌، سرکار خانم دکتر طاهره کمالی‌زاده، جناب آقای دکتر یحیی فوزی، جناب آقای دکتر علیرضا ملایی توانی، جناب آقای دکتر مهدی معین‌زاده، جناب آقای دکتر عبدالرحمن حسنی‌فر، جناب آقای دکتر حمید تنکابنی، جناب آقای مهندس فرامرز حق‌شناس، جناب آقای دکتر فرهاد زیویار، جناب آقای دکتر عباس خلجی، جناب آقای دکتر عبدالله قنبرلو، جناب آقای دکتر سیدمحمدرحیم ربانی‌زاده، جناب آقای دکتر سیدسجاد علم‌الهدی، جناب آقای دکتر سیدمحسن علوی‌پور، جناب آقای محمدعلی مینایی، جناب آقای بهرنگ ذوالفقاری و تمامی اعضای محترم شورای دبیرخانه و مشاوران و کارشناسان محترم طرح. همچنین باید از جناب آقای دکتر یدالله رفیعی مدیر محترم نشر و همة همکاران گرامی ایشان در انتشارات پژوهشگاه تشکر ‌کنم. اگرچه بزرگان و مفاخر و اعضای معزز هیئت‌علمی فراوان دیگری در بخش‌های گوناگون و در مراحل مختلف مددرسان بودند که ذکر نام این شخصیت‌ها و محققان، که بیش از صد تن را شامل می‌شود، متأسفانه در این مجال اندک میسر نیست.

امید می‌رود به لطف خداوند این حرکت فرخندة پژوهشی و علمی بتواند ضمن تقویت اثربخشی علوم‌انسانی و پیوند پژوهش و اجرا در کشور، راهگشای بهره‌برداری بیشتر از ظرفیت‌های علوم‌انسانی به‌شمار آید و انتشار مجلدات بعدی گزارش‌های طرح اعتلا گامی در مسیر پیشرفت و بالندگی ایران اسلامی باشد.

**حسینعلی قبادی**

**رئیس پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی**

**و**

**رئیس طرح اعتلای علوم‌انسانی معطوف به پیشرفت کشور**

# علایم اختصاری

در متن کتاب برخی منابع پُرارجاع با علایم اختصاری به شرح زیر به کار رفته است:

SZ: Heidegger, Martin, *Sein und Zeit*, Max Niemeyer Verlag,Tübingen, 2001.

BT: Heidegger, Martin, *Being and Time*, trans. Macquarrie and Robinson, New York, Harper & Row, 1962.

GA 1: Heidegger, Martin: Gesamtausgabe 1, *Frühe Schriften* (1912–1916), ed. Friedrich-Wilhelm von Herrmann, Frankfurt, Vittorio Klostermann, 1976.

GA 18: Heidegger, M., Gesamtausgabe 18, Grundbegriffe der aristotelichen Philosophie, Vittorio Klostermann, 2002.

GA 19: Heidegger, M., Gesamtausgabe 19, Platon: Sophistes, Vittorio Klostermann, 1992.

GA 22: Heidegger, M., Gesamtausgabe 22, Die Grundbegriffe der antiken Philosophie, Vittorio Klostermann, 1993.

GA 60: Heidegger, M., Gesamtausgabe 60, Phänomenologie des religiösen Lebens, Vittorio Klostermann, 1997.

GA 62: Heidegger, M., Gesamtausgabe 62, Phänomenologische Interpretation ausgewählter Abhandlungen des Aristoteles zu Ontologie und Logik (Summer semester, 1922), ed. G. Neumann, Vittorio Klostermann, 2005.

BCANP: Heidegger, M., Basic Concepts of Ancient Philosophy, tr. Rojcewicz, R., Indiana University Press, 2008.

HCT: Heidegger, M., History of Concept of Time, tr. Kisiel, T., Indiana University Press, 1985.

PS: Heidegger, M., Plato’s Sophist, trs. Richard Rojecwicz and Andre Schuwer, Indiana University Press, 1997

TM: Gadamer, Hans-Georg, Truth and Method, trans. Joel Weinsheimer and

Donald G. Marshall, New York, Continuum, 1989.

Met: Aristotle, Metaphysics, tr. Ross, S.D., Methuen, London and New York, 198Aristotle, Rhet: Aristole, Rhetoric, tr. Ross, S.D., Oxford Classical Texts, 1959.

# **مقدمه**

ارسطو در کتاب ششم *اخلاق* نیکوماخوس (Aristotle, 1139b)، با قراردادن فرونسیس در کنار چهار فضیلت عقلانی دیگر ـ اپیستمه (معرفت علمی)[[1]](#footnote-1)، سوفیا (حکمت نظری)[[2]](#footnote-2)، نوس (عقل شهودی)[[3]](#footnote-3) و تخنه (هنر/ صناعت)[[4]](#footnote-4) ـ به عنوان انحایی که ضمن آن‌ها پسوخه (مسامحتاً همان روح) به حقیقت نایل می‌شود، گامی بسیار مهم و بلکه تاریخ‌ساز در فاصله‌گرفتن از ایدئال افلاطونی معرفت، که همانا نظر بردوختن به عالم مُثل بود، برداشت. او البته پیش‌تر در همین کتاب (Ibid: 1096a)، همانند بسیاری مواضع دیگر، بر نظریة «ایده» یا مُثل افلاطونی تاخته و آن را مردود و باطل شمرده بود. فرونسیس، که ما در فصل اول این نوشتار به‌تفصیل دربارة تبار یونانی و سیر تطور و مفهوم آن برای ارسطو پرداخته‌ایم، از آن حیث حایز اهمیت بنیادین بود که معرفت عملی را ـ یعنی معرفتی را که اولاً و بالذات معطوف به عمل است ـ به‌جد مورد عنایت قرار می‌داد. اِندراج فرونسیس در کنار سایر انحای نیل به معرفت ـ هر چند سوفیا در مقامی والاتر از آن نشانده شود ـ نشانگر توجه ارسطو به معرفتی بود که به‌رغم فیزیک و متافیزیک، آن را اصالتاً نه معطوف به کشف حقیقت خنثی، بلکه رو به سوی خیر و سعادت، خاصه سعادت غایی (ائودایمونیا)، می‌شمارد، هر چند فیزیک و متافیزیک ارسطو را نیز به نحوی می‌توان معطوف به ایدة خیر یا کمال دانست.

ارسطو از بین این پنج فضیلت عقلانی سه فضیلت اپیستمه، سوفیا و نوس را ناظر بر اموری دانست که تغییر و تبدل در آن‌ها راه ندارد و البته دو فضیلت باقی را، یعنی تخنه و فرونسیس، متعلق اموری که دستخوش تغییر و تبدل قرار می‌گیرند. بدین ترتیب، فرونسیس نه ناظر بر ثبات که معطوف به سیلان و تحول بود. از سوی دیگر بنابر تصریح خود ارسطو، فرونسیس «فقط با کلیات سروکار ندارد، بلکه باید جزئیات را نیز به‌روشنی ببیند.» (Ibid: 1141b) و همچنین «فرد صاحب فرونسیس باید امور جزئی و فردی را بشناسد.» (Ibid: 1142a) شاید به دلیل همین تعلق ذاتی فرونسیس با وضعیت‌های سیال و البته محتاج عمل و تصمیم بوده ‌باشد که ارسطو معرفت سیاسی و فرونسیس را یک حالت می‌داند که البته تعاریف مختلف دارند (Ibid: 1141b). او البته «تدبیر منزل» را نیز در کنار سیاست گونه‌ای فرونسیس می‌شمرد.

تأکیدی که بر تعلق فرونسیس به امور جزئی و منفرد از سوی ارسطو می‌رود البته به معنای گسیختگی آن با کلیات نیست. فرونسیس هر چند اولاً و بالذات با جزئیات دستخوش تغییر و تبدل سروکار دارد، بنابر تأکید خود فیلسوف که «فرونسیس فقط با کلیات سروکار ندارد» (Ibid: 1141b)، می‌توان گفت که بر امور کلی لایتغیر نیز نظر بردوخته ‌است. گویی از منظر ارسطو، فرونسیس در واقع حکمتی است که ضمن آن وضعیت‌های جزئیه کلیات را مورد جرح و تعدیل قرار می‌دهند و این خود البته مستلزم نصب‌العین قراردادن همارة کلیات نیز هست. چنان‌که می‌دانیم اخلاق از نظر ارسطو نه همچون افلاطون معرفت به مثال خیر و در واقع پاسخ به سؤال «خیر چیست؟» نیست، بلکه پاسخ به این سؤال است که «در موقعیت حالیه چه باید کرد.» در واقع به یمن رویکرد خاص ارسطو به نسبت امر کلی و جزئی و نیز تلقی او از اخلاق است که در مفهومی همچون فرونسیس نظر و عمل با هم تلائمی ذاتی پیدا می‌کنند.

اما آنچه سنت فلسفی ـ چه در فلسفة مدرسی غرب و چه در فلسفة اسلامی ـ از مفهوم فرونسیس ارسطو اخذ کرد به نظر می‌رسد به‌یکباره تعلق این مفهوم به انکشاف حقیقت را به نسیان سپرده ‌است. به عبارت دیگر، این نکتة بسیار اساسی در سنت فلسفی نشئت‌گرفته از ارسطو مغفول ماند که او فرونسیس را از انحایی دانسته ‌است که ضمن و ذیل آن‌ها روح به حقیقت نایل می‌شود. در سنت فلسفی مفهوم فرونسیس به عنوان مفهومی اخلاقی یا تحت عنوان حکمت عملی (در برابر حکمت نظری) برای تقسیم‌بندی علوم به کار گرفته ‌شد و حیث هستی‌شناختی آن مطرح نگردید.

در واقع، با مارتین هایدگر و درس‌گفتارهای اولیة فرایبورگ بود که فرونسیس ذیل تفسیر پدیدارشناسانه ـ هستی‌شناسانة او ـ جایگاه حقیقی خود را به دست آورد و به تعبیری که ما در این نوشتار به کار برده‌ایم، نیروی نهفته در آن آزاد گردید. تفسیر هایدگر از ارسطو البته تفسیری مألوف ـ از آن دست که متخصصان فلسفة ارسطو یا اسکولاستیک بدان دست می‌یازند ـ نبود بلکه تفسیری بود مبتنی بر Destruktion متن ارسطو.

پس از هایدگر ، گادامر، که در درس‌گفتارهای فرایبورگ و خاصه درس‌گفتارهای مربوط به *تفسیر پدیدارشناسانة ارسطو* حضور داشت، فرونسیس را عملاً بنیادی برای علوم انسانی قرار داد. گادامر در کتاب مشهور خود، *حقیقت و روش*، به نحوی مستوفا به ماهیت علوم انسانی می‌پردازد. کتاب به‌رغم آنکه ضمن و ذیل طرح کلی هرمنوتیک فلسفی تنسیق یافته‌ است، گنجاندن مسئلة علوم انسانی ذیل هرمنوتیک فلسفی ـ که جا به جا با اشاره به مفهوم فرونسیس ارسطو قرین است ـ سبب گردیده تا بتوان از آن به منزلة کتابی در زمینة فلسفة علوم انسانی نیز یاد ‌کرد. به همین جهت ما این سه موقف اصلی ـ ارسطو، هایدگر و گادامر ـ را برای مدلل‌ساختن مدعایمان در خصوص ذات فرونتیک علوم انسانی برگزیده‌ایم و کتاب حاضر از همین روست که سه فصل را مشتمل گردیده ‌است.

مفهوم فرونسیس به دو اعتبار کلی می‌تواند در بحث علوم انسانی و البته تقریب آن به قلمروِ کاربرد ـ که منظور نظر طرح جامع اعتلای علوم انسانی معطوف به پیشرفت کشور است ـ مدخلیت پیدا ‌کند.

نخست بدان اعتبار که موضوع علوم انسانی انسان و اوصاف و احوال و کنش‌های اوست، آنچه در این علوم نافذ است نه تبیین[[5]](#footnote-5) که فهم[[6]](#footnote-6) پدیدارهاست و فیلسوفانی که در علوم انسانی تأمل داشته‌اند همچون دیلتای، ریکرت، وینلباند، گادامر، ریکور و... همگی در این نکته متفق‌القول‌اند. فهم، چنان‌که گادامر مدلل ساخت، همواره رخدادی است متضمن یک تنش؛ تنش زمانی (بین گذشته و حال)، تنش مکانی (فهم احوال و اوصاف و آداب انسان‌های اقلیم‌های دیگر)، تنش جزء و کل (یا تنش انضمام و انتزاع) و... مولد مفهوم فرونسیس دقیقاً آنجاست که تنشی در کار است و از همین رو فرونسیس تضایف با فهم دارد؛ فهمی که البته بنیاد علوم انسانی است.

دوم آنکه فرونسیس، چنان‌که حتی در ترجمة آمیخته به تسامح آن به حکت عملی نیز برجسته ‌است، ذاتاً متضمن وضعیت کنش است و از همین رو اگر به دنبال ایفای نقش عملی علوم انسانی در جامعه بوده ‌باشیم، این علوم باید به مثابة فرونسیس درک گردند.

ما در این نوشتار سه موقف اصلی در تطور مفهوم فرونسیس را بررسی کرده‌ایم؛ ارسطو، هایدگر و گادامر. و البته تلاش داشته‌ایم که جا به ‌جا نسبتی بین تلقی این فیلسوفان از فرونسیس از یک‌سو و مسئلة علوم انسانی از سوی دیگر برقرار کنیم.

# فصل اول

## مفهوم فرونسیس نزد ارسطو

### مقدمه

مفهوم فرونسیس، پیش از آنکه ارسطو در *اخلاق نیکوماخوس* به شرح و بسط آن بپردازد، تاریخچه‌ای طولانی در زیست و تفکر یونان باستان داشته است. گوتیه[[7]](#footnote-7) در تحلیلی که از کتاب ارسطو ارئه می‌دهد با جزئیات به این تاریخچه پرداخته است. از آنجا که دل‌مشغولی به این جزئیات خارج از تکلیفی است که متن حاضر بر عهدة خود می‌داند، علاقه‌مندان را به کتاب گوتیه ارجاع می‌دهیم.[[8]](#footnote-8) با این‌همه از نقل پاره‌ای نکات مهم آن چشم‌پوشی نمی‌توانیم کرد.

«فرونسیس مفهومی بسیار موسع در اندیشة یونانی افاده می‌کرده است؛ Phronein هم به معنای احساس‌کردن بود و هم اندیشیدن و مآلاً Phronesis بر هر دو مفهوم احساس و تفکر تضمن داشت.» (Gauthier, 1970: 464) دموکریتوس و سقراط اما آن را به معنایی خاص‌تر، یعنی به مفهوم گونه‌ای معرفت یا دانایی عملی[[9]](#footnote-9)، به کار بردند؛ به معنای قوة تمییز خیر از شر که همین معنا سرانجام در اقلاطون خصلتی نظرورزانه پیدا کرد. مقصود از این خصلت نظرورزانه آن است که فرونسیس برای افلاطون معرفتی استعلایی بود که در آشنایی و الفت با مثال خیر ریشه داشت. گویی در افلاطون مؤلفة احساس در مفهوم فرونسیس مغفول نهاده شد و مؤلفة دیگر، یعنی تفکر، تمام بارِ معنایی را بر دوش کشید. می‌توان ادعا کرد که فرونسیس برای افلاطون چیزی جز همان علم به کلیات، که تغییر و تبدلی در آن‌ها راه نیست، نبود. گوتیه رأی افلاطون دربارة فرونسیس را چونان هلالینی می‌داند که در تاریخچة این مفهوم گشوده و سپس فروبسته شد، چرا که ارسطو، پس از افلاطون، همان مفهومی را که ذیمقراطیس و سقراط پیش کشیدند اعاده کرد؛ «مفهوم فرونسیس به مثابة معرفت یا دانایی یا حکمت عملی‌ای که اعمال را هدایت می‌کند و لذا هم‌عنان با معرفت به کلیات، معرفت به امور جزئی و وسایل و وسائط[[10]](#footnote-10) رسیدن به اهداف و غایات[[11]](#footnote-11) نیز هست.» ((Ibid: 467-468

آبنکو[[12]](#footnote-12) نسبت وثیق‌تری را که از منظر او بین فرونسیس ارسطویی و «واقعیت یا وضعیت انضمامی» یا به عبارت دیگر «وضعیت جزئی امور» برقرار است بدین علت منتسب می‌دارد که ارسطو بیش از افلاطون به سنت تراژدی یونان تعلق خاطر داشته است:

تراژدی یونان مالامال است از سؤال‌ها و مسائلی از این دست: انسان مجاز به دانستن چیست؟ در جهانی که بر آن بخت حکم‌فرماست از انسان انتظار چه عملی می‌رود؟ از آینده‌ای که بر او پوشیده است انسان انتظار چه باید بکشد؟ ما، در مقام انسان، چه باید بکنیم تا در محدودة انسانیت باقی بمانیم؟ آنچه سرایندگان این تراژدی‌ها در پاسخ به این سؤال‌ها از اشاره به آن خسته نمی‌شدند یک کلمه بود: فرونئین[[13]](#footnote-13). ارسطو شاید به دلیل تعلق بیشترش از افلاطون به این سنت تراژدی است که

1. . Episteme= Scientific Knowledge [↑](#footnote-ref-1)
2. . Sophia= theoretical wisdom [↑](#footnote-ref-2)
3. . Nous= Intuitive reason [↑](#footnote-ref-3)
4. . Techne= Arts [↑](#footnote-ref-4)
5. . explanation [↑](#footnote-ref-5)
6. . understanding=Verstehen [↑](#footnote-ref-6)
7. . Gauthier [↑](#footnote-ref-7)
8. . Gauthier, R.A. and Jolif, J.Y., L ' Ethique a Nicomaque, Introduction, Traduction et Commentaire, Louvian, Paris, Publication Universitaires de Louvian,1970, pp. 463-479. [↑](#footnote-ref-8)
9. . Practical wisdom [↑](#footnote-ref-9)
10. . means [↑](#footnote-ref-10)
11. . ends [↑](#footnote-ref-11)
12. . Abenque [↑](#footnote-ref-12)
13. .Phronein [↑](#footnote-ref-13)